

سیمای تاریخی یزد

در سفر نوروزی به یزد دوستی تهرانی را، که برای نخستین بار به یزد آمده بود، در کوچه‌های پیچ‌درپیچ شهر پدری مادریم دیدم. او خوشحالت‌تر از من شد، چه بقول خودش کسی رایافته بود که می‌توانست کمی از گذشته یزد برای او بازگو کند. مرا به‌شام دعوت کرد تا قصه‌هایی از گذشته این شهری که به‌تازگی درباره آن گفته‌اند چون باستانی است دیگر دست به ترکیب آن نخواهند زد! برایش بگویم.

حرفهایم که تمام شد موقع خدا حافظی گفت کاش بجای چاپ چند جلد تاریخ یزد قدیمی که همه مفلک و غیرمطلوب برای امروزیان است، این مطالب را بطور خلاصه در چند صفحه برای امثال من که حوصله و مجال خواندن آن نوع کتب را نداریم مینوشتی. سخنش بر دلم نشست. این سطور را که چندی قبل به منظور دیگری نوشته بودم اینک برای تقدیم به او درینجا به چاپ می‌رسانم:

نوشتن صفحه‌ای چند در تاریخ شهری اصبیل و قدیمی چون یزد آسان نیست. شهر یزد برآستی هنوز از شهرهای اصبیل ایرانی است، هم از حیث سبک و هنر شهرسازی و هم از حیث جامعه و نموده‌های انسانی آن. پایداری قسمتی از دیوارهای هزار ساله شهر، پیچ و خم کوچه‌های باریک بادیوارهای بلند خانه‌ها از مشخصات اصالت شهر سازی است. پوشیدن پوشاکهای دست‌باف، حفظ آداب زندگی محلی، نخل و کلك و

* آقای ایرج افشار رئیس دانشمند و صاحب‌نظر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

حسینیه و بسیاری دیگر از تجلیات زندگی سنتی گوشه‌هایی است از اصالت جامعه شهر یزد از یک حیث دیگر هم اصالت باستانی خود را حفظ کرده و آن ازین حیث است که در طول هزار و سیصدسال مسکن و مأوای زرتشتیان بوده و آتش مقدس آتشگاه پارس تا زمان حاضر در این شهر حفظ شده و فروزان است .

یزد به استناد کتب تاریخ خاص و نیز وضع شهرسازی آن از زمان امرای دیلمی تا عصر صفوی چندبار وسعت یافته و روی آبادانی دیده است. حصاربندی شهرستان و گسترش نخستین آن شهر بدست شعبه‌ای از سلسله کاکویه (یعنی دیلمیان) انجام شد. بعداً سلسله محلی اتابکان یزد با تصرفات مطلوب و علاقه‌مندی بسیار زیب و زینتی نو بدان دادند. مدرسه‌ها و مسجدهای مهم در آنجا ایجاد کردند .

یزد در عهد آل مظفر مقر و مرکز اصلی حکومت آن سلسله شد. افرادی چند از آن سلسله موجد آبادانیهای متعدد در آن شهر و حوالی شدند. سرسلسله آنان، یعنی محمد ابن مظفر خود چندین دیه در اطراف آن آبادان کرد و شهر یزد هم در عهد او توسعه‌ای دیگر یافت .

علی‌الاصول قرون هفتم و هشتم را باید دوران عظمت یزد دانست . در این قرون است که بناهای بسیار زیبا و معتبر توسط شمس‌الدین صاحب دیوان، رشیدالدین فضل‌الله طیب، سید رکن‌الدین محمد و پسرش سید شمس‌الدین محمد و داماد آنها سید معین‌الدین اشرف و عده‌ای دیگر از خواجگان و وزرا و اعیان ساخته شد. تأسیسات مهمی مانند مدارس رکنیه و شمسیه و حسینیان و ضیائییه و دارالشفای صاحبی بوجود آمد .

حاکمان و والیان دوره تیموری هم در آبادی و دامنه بخشی شهر و حوالی آن کوشش قابل توجهی کردند. نمونه شاخص موقوفات و ابنیه‌ای است که امیر جلال‌الدین چقماق شامی و زنتش بی‌بی فاطمه و پسرش امیر شمس‌الدین محمد میرک در شهر یزد ایجاد کردند. قسمتی از آن آثار هنوز فخر شهر یزد و چشم و چراغ آنجاست .

در عصر صفوی هم بعضی ابنیه و عمارات تازه ساخته شد . شهر یزد بخصوص به مناسبت جنبه تجاری وسیع خود مورد توجه سیاحان و مسافران اروپائی بود. پارچه‌های دست‌باف آنجا در تمام ممالک فرنگ خواستار داشت. بافندگان یزدی آن عصر شهرت خاص داشتند. عده‌ای از آنها برآورنده احتیاجات دربار سلطنتی صفوی بودند مانند غیاث‌الدین نقشبند؛ آنکه با شاه‌عباس مناظرات شعری هم داشته و در کتب تذکره ذکر آن رفته است .

شهر یزد به علت خشکی هوا و یخل آسمان همواره از حیث کمی آب باسختی روبرو بوده است. امام‌دمش بادلاوری و به نیروی پشتکار و شوق نهانی توانسته اند رشته آبهارا از صحاری دور بیاورند و بیابانهای ریگزار را به باغ و شهر تبدیل کنند. هماره جوهر ذوق و نیروی حیات آنان با ستم و سختی و گرانی طبیعت پنجه نرم کرده و از چنین شهر خشک برزیگران استاد و تردست برخاسته‌اند ، تابدان حد که رشیدالدین فضل‌الله همدانی برای آبادان کردن مزارع ربع رشیدی سیصد تن از آنان را از یزد به تبریز

برد. این «جلب کارشناس» واقعه‌ای بوده که ذکرش در تواریخ آن روزگار مهم دانسته شد. ویران شدن آثار قدیم در چنین شهری، در دوره تاریخ هزار ساله آن بهمانند هر شهر دیگر ناشی از عوارض طبیعی و گزندهای بشری بوده است.

ریگ روان با پوشش نرم و مرگزای خود پنهان کننده آبادیها بود. سیل ویرانگر کوهستانی چندبار شهر یزد را به کام موجهای سهمگین و سنگ خیز درآورد. شرح دو سیل بسیار مهم که در سالهای ۶۳ و ۸۶ روی آورد در کتب تاریخ یزد مسطور است. آمد و شد حکومتها و هوی و هوس ملوک محلی موجب تغییرات زیاد در بنیان شهر و کوی و برزن آن شهر شد. دربندان و دیوار بست و کوچه بند و قلعه گیرها که به همراه داشته است موجب قحط و غلا و ویرانی و تنگیهای دیگر شده است.

سرزمین یزد از نظر وسعت جغرافیائی و حوزه حکومتی در دوران تاریخ خود چندبار تغییر وضع داده است. شهر بابک و هرات و مروست از یک جانب و ابرقو و مضافات آن از جانب دیگر، بافق و بهاباد از یک سو، نائین و توابع آن از سوئی دیگر گاه جزء خاک یزد محسوب میشده و سلاطین محلی و حکام یزد بر آنها فرمانروائی میکردند و گاه از قلمرو آن خارج بوده است. اکنون در اکثر نقاط مذکور در فوق، آثار هنری و تاریخی قدیم دیده میشود آثاری که از حیث سبک و شیوه با آنچه در شهر یزد موجود است همآهنگی و همسانی دارد.

در عده‌ای از آثار و ابنیه کتیبه‌ها و یادگارها و نقشهائی موجود است که برای روشن شدن تاریخی و بررسی مظاهر هنری بسیار سودمند تواند بود. از کتیبه‌ها اطلاعات تازه تاریخی عاید میشود، مانند آنکه با نام اشخاص معتبر تاریخی مانند سلاطین و حکام و امرا آشنا میشویم، موقوفات قدیم و محل و مصارف آنها را میشناسیم، بر اصطلاحات و لغات دیوانی و محلی پیشین و قوف مییابیم، شیوه‌های خطاطی و کهنه کاری و تزئینات هنری قدما را بدست می‌آوریم، از نام کاتبان مجهول الاثر و شاعرانی که ماده تاریخ اثر آنها در کتیبه‌ها نقر شده است باخبر میشویم.

در یزد و اطراف آن آثار عمومی زیادی هست که از این نوع فواید از آنها استنباط شدنی است. ما در این صفحات محدود سعی میکنیم که عده‌ای از آنها را بشناسانیم. زیباترین و بنامترین بنای چشمگیر و فخیم شهر یزد مسجد جامع آن است. اصل این مسجد از آن عهد دیالمه بود ولی مسجدی که در آن برپا بود از میان رفته و برجای آن مسجد کنونی در نیمه اول قرن هشتم هجری بوسیله رکن الدین محمد یزدی ایجاد شده است و بعدها افراد مختلف در دوره‌های ایلخانان و تیموریان مرمتها و اضافاتی در آن کرده‌اند.

زیبائی و ابهت این بنا به سردر بلند، منارهای خوش طرح، کاشیکاری بسیار خوش رنگ و خوش طرح، شبستانهای بزرگ، ایوان و گنبد متناسب، صحن با روح و کتیبه‌های متعدد خوش نوشته آن است. یکی از ظرائف مسجد در بزرگ و بلند چوبی منبت کاری و آلت سازی جانب شرقی است که کار قرن هشتم هجری و از آثار چوبی هنری ایران به شمار میرود.

در کریاس شرقی مسجد عده‌ای لوحه‌های سنگی و کاشی و چوبی نصب و همه از لحاظ تاریخی واجد اهمیت است. این کتیبه‌ها حکایت از بخشش‌های مالیاتی، وقف آب و زمین بر مسجد و دیگر مسائل اجتماعی قرون هشتم تا سیزدهم دارد ولی متأسفانه مجال توضیح و توصیفی بیش از این در این مقام نیست .

مسجد زیبای دیگر مسجد امیرچقماق است که اکنون در وسط شهر یزد و در میدان معروف میرچقماق واقع است . این مسجد از محل موقوفات امیر جلال‌الدین چقماق شامی که در عهد شاهرخ تیموری حاکم یزد بود ساخته شد . بنائی است که از لحاظ ترکیب و اسلوب بنا و کاشیکاری سردر شرقی و پیشانی ایوان و محراب بسیار عالی و از نقایس شهر یزد است .

در برآوردن این مسجد همسر جلال‌الدین هم شرکت داشت و این زن دارای آثار متعدد خیر دیگری بوده است که اکنون چیزی دیگر از آنها برجای نیست . مزارش روبروی مسجد میرچقماق در قسمت شمالی میدان میرچقماق قرار دارد .

سومین مسجد دیدنی شهر مسجد ملاسمعیل است . ملاسمعیل عقدائی از علمای مشهور عصر خود بود و در شهر یزد مرجعیت تام داشت . او این مسجد و مدرسه جنب آن را در قرن دوازدهم هجری ساخت . عظمت مسجد ، مخصوصاً پهنای ایوان و وسعت شبستان و صحن ، موجب اعتبار آن شده و براستی از ابنیه دیدنی شهرست . مسجد دیگری که کوچک ولی دیدنی است مسجد فرط است . در محراب این مسجد سنگ عنابی رنگی نصب کرده‌اند که تاریخ ندارد ، ولی نوع تراش و خط و نقوش آن در مقام مقایسه با سنگهای قرن ششم که در شهر یزد متعدد است آنرا از آن قرن مینمایاند .

یزد در قرون هفتم تا دهم هجری از مراکز علمی بود . در آنجا مدارس متعدد وجود داشت که ذکر آنها در تواریخ یزد آمده . تاجائی که احصا شده است نام چهل و هشت مدرسه مربوط به آن قرون را می‌شناسیم . این مدارس اکثر توسط خواجهگان و سادات و بزرگان شهر یزد ساخته شد و دارای موقوفات بسیار بود . بقایای چندتا از آنها که اکنون برپاست نشان دهنده اهمیت و زیبایی اسلوب بنای آنهاست . ولی اکثراً به بقاع و مزارات تبدیل شده است ، زیرا مرسوم بوده است که بانیان آن مدارس را پس از فوت در گنبد خانه دفن میکردند و به مرور دیگران را در آنجا به خاک میسپردند .

مهمترین مدرسه یزد در قرن هشتم مدرسه رکنیه بود که سید رکن‌الدین محمد حسینی آنرا ساخت .

در آن کتابخانه‌ای معتبر و دستگاه نجومی بسیار مهم و دیدنی بنام وقت و ساعت به ابتکار عالمی از مردم آمل طبرستان تعبیه کرد که در شمردن ایام و نشان دادن زمان اعجاب‌انگیز بود .

سید رکن‌الدین برای این مدرسه موقوفات بسیار معین کرده بود . از آن مدرسه عظیم اکنون گنبدی باقی است که جسد سید رکن‌الدین را در آن مدفون کرده‌اند . این گنبد

از حیث گچ‌کاری و نقوش رنگی داخل یکی از شاهکارهای هنری شهر یزد است. مزار سیدرکن‌الدین اکنون از زیارتگاه‌های مورد احترام بشمار میرود.

مدرسه مهم و معتبر دیگر، مدرسه شمسیه است که فرزند سیدرکن‌الدین موسوم به سید شمس‌الدین محمد (داماد رشیدالدین فضل‌الله طیب) آن را در محله چهارمنار ایجاد کرد. از این مدرسه هم‌گنبد و طنپیه‌های اطرافش باقی و بمناسبت آنکه مزار سید شمس‌الدین است زیارتگاه تبدیل شده است. داخل گنبد سراسر از نقوش اسلیمی و ترنجها و شمشه‌های رنگین و زرین پوشیده و افسوس که موریانه در آنها نفوذ کرده و صدمات بسیار زیاد به آنها رسانیده است. باز با همه شکستگی از طرائف روزگار و ظرائف آثار است. کتیبه گچ‌بری مغولی برجسته و درشت و به خطوط کوفی و ثلث که در سه طرف ایوان ورودی قرار دارد یکی دیگر از نفایس آثار این بناست.

از مدرسه‌های مهم دیگر یزد مدرسه‌های کمالیه و حسینیان (که اکنون به حسینیه هشت مشهور است) و شهاب‌الدین قاسم طراز (که اکنون به شاه ابوالقاسم شهرت دارد) قابل ذکر است. مدرسه اول دارای گنبدی بزرگ و فخیم و جسیم و بلند است و از حیث تزئینات داخلی اگرچه به اهمیت دو مدرسه رکنیه و شمسیه نیست دارای نقوش و کتیبه‌هایی است که ارزش هنری دارد. اثر بسیار دیدنی مدرسه شهاب‌الدین قاسم کاشیکاری برجسته سردر ورودی شمالی آن است که آیات قرآنی را به خط کوفی برجسته در کاشی ساخته‌اند. این نوع کاشی در هیچ‌یک از بناهای دیگر دیده نشده است. آن را در تواریخ یزد دو طبقه نامیده‌اند.

یکی از آثار مهم قرن سیزدهم باغی است متصل به محلات شهر و موسوم به باغ دولت‌آباد که دارای سه دستگاه ساختمان مفصل است. این بنا از آثار خیر محمد تقی خان یزدی سرسلسله خوانین شهر یزد و محل دیوانخانه او بوده است. محمد تقی خان مدتی دراز حکومت یزد را داشت.

در راه تفت باغ‌خان از محله‌های دیدنی است. عمارتی بزرگ و دیدنی درین باغ قرار دارد که از آثار ساختمانی جالب قرن سیزدهم بشمار می‌آید. این بنا ویرانه‌ای بوم‌نشین شده بود ولی حالا یکی از بقایای خوانین آنجا را خریده و به صورتی راستی دیدنی باز سازی کرده است. هر کس به یزد می‌رود باید از این ساختمان رفیع و خوش طرح دیدن کند.

سخن در باب یزد بسیار است ولی برای دیدار یکی دو روزه مسافران خسته بیش ازین گفتن ندارد. ورنه آسیاب‌های کوشک‌نو و وزیر را معرفی می‌کردم که از عجایب سیمه شهرست ولی حالا مثل خیلی از ابنیه و آثار قدیمی مزبله‌دانی است. حیفا هر چه ندا دادم که این محل‌ها را پاک کنند و برای دیدن آماده به‌گوش کسی فرو نرفت، اگر چه اهمیت علمی و عظمتش از هر آسیاب بادی هلند بیشتر است! کدام‌یک از دستگاهها به این فکر بیفتد خدا عالم است.